

درسهایی از امام خمینی (ره)



مجموعه کتاب های درسهایی از امام (رضوان الله تعالی) در موضوعات مختلف به بیان خاطرات و سیره و روش امام خمینی (رحمت الله علیه) پرداخته است، این کتاب توسط رسول سعادت مند و انتشارات تسنیم به چاپ رسیده است. در این بروشور به برخی از آنها اشاره می شود.

معاونت پژوهش مدرسه علمیه تخصصی زینبیه

بهار جوانی



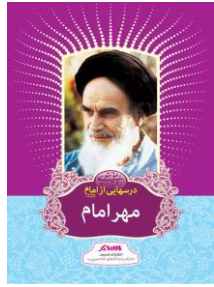
آیت اله فاضل لنکرانی:

همسر محترمه امام نقل کرده اند که من ۶۲ سال با امام بزرگوار زندگی کرده ام و در این مدت ۶۲ سال یک غیبت از این مرد نشنیدم. ما یک کارگری داشتیم که خیلی کاری نبود لذا کارگر بهتری آوردیم. بعد از چند روز به امام گفتم این خیلی کارگر خوبی است. امام فرمودند: «اگر با این جمله می خواهی به من بفهمانی که قبلی خوب نبود این غیبت است و من حاضر نیستم بشنوم.»

حجت الاسلام رحیمیان: عصرانه که به عنوان ورزش، کاری مهم و لازم برای تأمین سلامت ایشان بود در دست تسییحی داشتند و به ذکر خدا مشغول بودند و در دست دیگر رادیویی کوچک داشتند که استماع آن در جریان مسائل داخل و خارج می گرفتند. بدین سان می توان گفت عمر واقعی امام نه هشتاد و هفت سال که از نظر کاربرد و با کارگیری دوچندان این مدت بود.

خانم مرضیه حدیدچی: امام در فاصله ای که بعد از نماز ظهر و عصر برای نهار می آمدند اگر د راین مدت کوتاه چند دقیقه ای فرصت پیدا می شد، قرآن را بر می داشتند و می خواندند که گاهی این اوقات کمتر از دو دقیقه بود.

مهرامام



زهره مصطفوی:

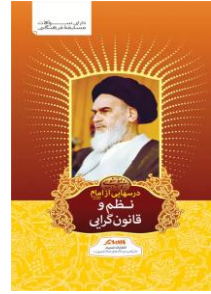
امام روزی هفت بار اودکلن می زدند، چون بین دو نماز مستحب است که عطر مصرف شود. ایشان تسییح را به طور خاصی بالای سجاده می گذاشتند، نه همینطور که هرکجای سجاده باشد، چون آن هم مستحب است.

خانم فاطمه طباطبایی: اگر میخواستیم غذا جلوی آقا بگذاریم، می بایست ظاهرش را می آراستیم. اگر شکل زیبایی نداشت نمی خوردند ولو مزه اش بسیار خوب می بود، اما اگر شکلش زیبا بود، می گفتند حالا می چشم، اگر خوشمزه بود می خورم.

آقا مصطفی کفاش زاده: امام بسیار تمیز و مرتب بود. از قول دخترشان عرض می کنم که زیرپوش و پیژامه ایشان باید زود به زود شسته شود و حتما باید اطو شود و از نظر رنگ هماهنگ باشد.

آقای محسن رضایی: امام همیشه نسبت به رزمندگان اسلام توجه خاصی داشتند و می فرمودند: اینها فرزندان من هستند و سلام مرا به فرزندانم برسانید.

سید احمد خمینی: امام بیشتر از همه به بسیجی ها عشق می ورزدند و همواره با توجه و عنایتی خاص اخبار مربوط را پیگیری می کردند و در دعاهای امام مورد توجه بودند.

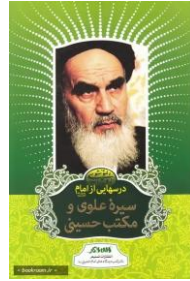


تکرم و قانون کرایی

خانم زهرا مصطفوی: امام خیلی مقید به قانون هستند و احترام زیادی به قانون می گذارند، ایشان رعایت قانون را یک تکلیف شرعی می دانستند. یعنی حتی برای راهنمایی و رانندگی، ایشان خلاف شرع می دانستند که مثلا از جایی که تابلو ورود ممنوع دارد، ماشین عبور کند. اگر کسی در رانندگی از حد سرعت مجاز بیشتر برود این را چون خلاف مقررات رانندگی است خلاف شرع می داند.

خانم فریده مصطفوی: امام نظم خاصی داشتند. کارهایشان در ساعت های معین انجام می شد. در ساعت معین غذا بخورند و رأس ساعتی معین بخوابند و رأس ساعت معینی بیدار می شدند. یک راز موفقیت امام در این بود که در همه امور نظم داشتند و از جوانی به نظافت و منظم بودن معروف بودند

حجه الاسلام محسن قرنتی: از امام پرسیم از سازمانها و مراکز مختلف مرا برای سخنرانی دعوت میکنند و من با ماشینی که متعلق به نهضت سواد آموزی هست در این برنامه ها شرکت می کنم امام فرمودند: «نه مجاز نیست»

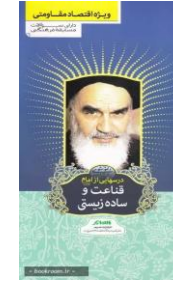


سیره علوی و مکتب حسینی

حجت الاسلام موسوی اردبیلی: امام در هنگام عبادت مانند کسانی بودند که نه اهل علمند و نه اهل سیاست و هیچ کاری غیر از عبادت نداشتند. مثلا در دعای عرفه که به حرم سید الشهداء مشرف می شدند با وجود سن زیاد این دعا را که دو تا سه ساعت طول می کشید ایستاده می خواندند.

حجه الاسلام رسولی محلاتی: امام تا وقتی که در قم بودند، به طور مرتب هر روز پس از درس صبح و گاهی هم پس از درس عصر به حرم حضرت معصومه سلام الله علیها و هنگامی که در نجف اشرف بودند، هر شب ساعت سه نصف شب به حرم مطهر امیرالمومنین علی علیه السلام مشرف می شدند و معمولا هم زیارت جامعه کبیره می خواندند.

حجه الاسلام انصاری کرمانی: علاقه امام به اهل بیت علیهم السلام در حد وصف ناشدنی است. امام عاشق آنها هستند. تا صدای «یا حسین» بلند می شود ایشان بی اختیار اشک می ریزد. امام با اینکه در برابر مشکلاتی چون شهادت آقا مصطفی اشک نمی ریزد امام به مجرد روضه خواندن قطرات اشک از دیدگانش سرازیر می شد.



فتاوت و ساده زیتی

آیت اله حائری شیرازی:

حیاطی که امام از آن می گذرند و به حسینیه می آیند، از آنجا که اتاق مخصوصشان است، با پلاستیک سفید و معمولی پوشانده بودند، یعنی برای جلوگیری از سرما شیشه نکرده بودند.

خانم مرضیه حدید چی: در پاریس من بارها ناظر وضو گرفتن امام بوده ام و دیده ام ایشان در فاصله بجا آوردن اعمال وضو، شیر آب را می بندند و در موقع لزوم دوباره باز می کنند.

آقای دکتر حسن عرفانی: وقتی امام در بیمارستان قلب بستری بودند صبح که از خواب بیدار می شدند، اولین چیزی که به ما می گفتند این بود که چراغ خواب کوچکی را که شبها در اتاق ایشان روشن بود خاموش بکنیم. حجه الاسلام انصاری کرمانی: روزی عینک امام را برداشتم تا به ایشان بدهم، مقداری غبار روی آن نشسته بود، با دستمال کاغذی آن را تمیز کردم و به امام دادم. من بی توجه قصد داشتم آن دستمال را مچاله کنم و دور بیندازم که امام متوجه شدند و فرمودند: «اگر این دستمال را نمیخواهید به من بدهید، این دستمال هنوز جای مصرف دارد و نباید دور انداخته شود»